

## سنگ نگاره خسرو پرویز در تاق بستان

شهره جوادی

استادیار گروه مطالعات عالی هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

shjavadi@ut.ac.ir

### چکیده

فرمانروایان ساسانی را رسم بر این بود که پیرامون شهرهای بزرگ و مکان‌های مساعد طبیعی باغ‌های سرسبز و زیبایی ایجاد می‌نمودند. این فضاها با سبزه و خرم پردتاز (پردیس) نامیده می‌شدند. تاق بستان را باید یکی از این پردیس‌های دوره ساسانی دانست. نقش برجسته خسرو پرویز در ایوان بزرگ تاق بستان واقع شده است. در این نقش خسرو از اهورا مزدا و آناهیتا تاج‌ستانی می‌کند. خسرو پرویز سنت تاج‌گیری از ایزدان را که بیش از دو قرن به فراموشی سپرده شده بود دوباره زنده می‌کند. بدین گونه خسرو پایه‌های فرمانروایی خود را استوار کرده و به صورت سمبلیک اعلام می‌کند که اهورا مزدا و آناهیتا مورد احترام او هستند و از هر دو نفر همزمان حلقه سلطنت را دریافت می‌کند. این امر در دیگر نقش برجسته‌های ساسانی سابقه نداشته است.

### واژه‌های کلیدی

تاق بستان، نقش برجسته ساسانی، اهورا مزدا، آناهیتا، تاج‌گیری.

## فرضیه

علت پیدایش نقش تاجگیری خسرو پرویز از اهورامزدا و آناهیتا به طور همزمان که قبلاً سابقه نداشته است، از اینروست که آخرین شاه ساسانی به علت شرایط خاص سیاسی و اجتماعی می‌کوشد تا پایه‌های ضعیف حکومت خود را با تکیه بر اعتقادات مردم تثبیت کند. او اعتقاد چندانی به اهورا مزدا و آناهیتا ندارد. یکی از همسرانش مسیحی است و... خسرو پرویز از جانب مردم، اشراف و بزرگان متهم به بی‌دینی شده است. بنابراین به جهت عوام فریبی در نقش برجسته تاق بستان از اهورامزدا و آناهیتا حلقه شاهی را دریافت کرده و پایبندی خویش را به مقدسات مردم نشان می‌دهد.

**توجه:** فرضیه مقاله اشاره به نکته‌ای کاملاً نو و بدیع دارد که تاکنون در هیچیک از پژوهش‌ها و منابع قدیم و جدید اشاره‌ای به آن نشده است. پژوهش و مقایسه دقیق این نقش برجسته منحصر به فرد با دیگر نقش برجسته‌های ساسانی با موضوع تاجگذاری شاهان این نکته را ثابت می‌کند که در اینجا خسرو پرویز با تکیه بر باورهای مذهبی مردم قصد اعاده حیثیت و تحکیم پایه‌های حکومت ضعیف خویش را دارد.

## مقدمه

در سال ۲۲۴ میلادی پس از غلبه «اردشیر» فرمانروای محلی ناحیه فارس بر «اردوان پنجم» پادشاه اشکانی، امپراطوری اشکانی منقرض شده و ساسانیان فرمانروای ایران گردیدند. ساسانیان از خاندان روحانی بوده و اردشیر بنیانگذار سلسله، متولی معبد آناهیتا در شهر استخر بود که یکی از مکان‌های مقدس در آن زمان به شمار می‌رفت. ساسانیان از آغاز فرمانروایی ماهیتی مذهبی برای حکومت خود قائل شدند. آنها بر خلاف اشکانیان که دارای حکومت ملوک الطوایفی بودند، وحدت ایران را تأمین و دولتی تشکیل دادند که قدرت کشور را در خود تمرکز داده و با اقتدار بر همه مناطق کشور نظارت داشتند. اردشیر پس از درهم کوبیدن دشمنان و وحدت و استقرار کشور، دین و دولت را با هم درآمیخت و یک حکومت مرکزی و نیرومند ایجاد نمود. فردوسی وصیت اردشیر به فرزندش شاپور را در روش اداره مملکت چنین بیان می‌کند:

چو بر دین کند شهریار آفرین	برادر شود شهریاری و دین
دو دیباست یک در دگر بافته	برآورده پیش خرد تافته

و در کتاب «اندرزنامه» که به اردشیر منسوب است چنین می‌گوید: بدانید که دین و شهریاری دو برادر توأمانند. بدین ترتیب ایجاد حکومت مرکزی و آیین رسمی، تغییرات بزرگی در اوضاع اجتماعی، فرهنگی و هنری این دوره ایجاد کرد، به طوری که بدون در نظر گرفتن بافت و ساختار دین و حکومت در این عصر، درک و شناخت مفاهیم هنری بسیار مشکل و گاهی غیر ممکن به نظر می‌رسد.

در هنر ساسانی اندیشه مذهبی به نحو دقیقی مجسم شده به طوری که بررسی و پژوهش هنر این دوره در نهایت به تصویرشناسی مذهبی می‌انجامد. آثار هنری ایران در دوران‌های پیش‌تر هیچ‌گاه با چنین اطمینانی وحدت و اتحاد دین و دولت را بیان نکرده است.

هنر ساسانی نمودار احترام و تعلق ساسانیان به آئین مزدیسنا و زرتشت می‌باشد. بر روی سکه‌ها، جام‌ها، مهرها و بالاخص نقش برجسته‌های این دوران تصویر رسمی فرمانروایان با نشانه‌های ویژه شهریاری،

تاج و زیورهای خاص (نوارها، گوشواره و گردنبند) به چشم می خورد، این نشانه ها و مهم تر از همه افسر شهریاری جنبه نمادین و بسیار پیچیده ای دارد که با آیین و مذهب پیوند ناگسستنی خود را نشان می دهد. مظاهر ایزدان که بر افسر شاهان ساسانی تصویر شده مانند هلال ماه مظهر آناهیتا، خورشید سمبل میترا و بال شاهین نماد بهرام در این تصاویر به چشم می خورد. ابوریحان بیرونی در کتاب آثار الباقیه می گوید:

«... شاهان ساسانی تاجی بر سر می گذاشتند که بر آن نقش گردونه خورشید بود...» بدین روال به هنگام حکومت ساسانیان مظاهر ایزدان چون (ورثرغن<sup>۲</sup>، میترا<sup>۳</sup>، آناهیتا<sup>۴</sup> و تشری<sup>۵</sup>) به طور آگاهانه و منضبط در هنر ساسانی تجلی می کند و فقط با درک و شناخت این سمبل هاست که درک مفاهیم هنری و مذهبی امکان پذیر می گردد. نقش برجسته خسرو دوم (پرویز) در تاق بستان آخرین نقشی است که دارای ویژگی های مذکور می باشد که به منظور تأکید بر شایستگی فرمانروا از سوی نیروهای ایزدی و فرازمینی برای حکومت و فرمانروایی به شکلی نمادین به تصویر کشیده شده است.

### سنگ نگاره خسرو پرویز در تاق بستان

در شمال شرقی کرمانشاه کوهی است بس دیرسال که اکنون به علت توسعه شهر در جوار آن قرار گرفته. بر پیشانی فروغمند و در دل این کوه آثار ارزنده ای از دوران ساسانی بر جای مانده، که گنجینه ای گرانبها از تاریخ و فرهنگ ایران زمین به شمار می رود.

در کنار این یادمان های دیرین چشمه ای در جریان است، که جوشش پیوسته آن دریاچه ای زیبا و دل انگیز را از دیر زمان به وجود آورده است. این فضای دلکش و خرم در جوار میراث های کهن، اثری عجیب در بیننده و پژوهنده بیدار دل ایجاد می کند و لحظاتی انسان اندیشمند خود را در برابر آینه تاریخ با نقش های عظیم و تصاویر شکوهمند و خاموش با رمز و رازهای نهان احساس می کند. تبلور تاریخ به دست هنرمندان چیره دست در اینجا تجلی نموده است. حل معمای این نقش های شگفت انگیز و گشایش این چیستان با ژرف نگری بر تصاویر و سود جستن از تاریخ مکتوب و مدارک کهن یافته شده از دل خاک ممکن و میسر است و بر پایه چنین روشی سنگ نگاره ها را می توان مورد بازنگری و شناخت واقعی قرار داد. این جایگاه شکوهمند و ورجاوند تاق بستان نام دارد.

فرمانروایان ساسانی را رسم بر این بود که پیرامون شهرهای بزرگ و مکان های مساعد طبیعی باغ های سرسبز و زیبایی ایجاد می نمودند. این فضاهای سبز و خرم پردتژ (پردیس) نامیده می شدند. تاق بستان را باید یکی از پردتژهای دوره ساسانی دانست. که احتمالاً کاخی تابستانی برای شکار و بزم و استراحت شاهان ساسانی بوده است، پیدا شدن سرستون ها و سایر آثار معماری و بقایای دیوارهای زمان ساسانی در محدوده این مکان مؤید نظریه فوق می باشد. در نقش برجسته اردشیر دوم (۳۷۹-۳۸۳ م) که بر بدنه کوه کنده شده، پادشاه در وسط و در دو طرف او اهورامزدا خدای بزرگ و میترا قرار دارند. (تصویر ۱) اردشیر حلقه سلطنت را از اهورامزدا دریافت می دارد و میترا (مهر) روی گل نیلوفر<sup>۶</sup> ایستاده و برسمی<sup>۷</sup> در دست دارد، زیر پای پادشاه و اهورامزدا دشمنی بر زمین افتاده است. در طرف چپ همین نقش دو ایوان یا تاق دیده می شود که یکی از آنها کوچک تر از دیگری است و به امر شاپور سوم (۳۸۳-۳۸۸ م) ساخته شده است. در انتهای ایوان نقش شاپور سوم در طرف چپ دیده می شود و پدرش شاپور دوم در سمت

راست قرار دارد، این دو پادشاه دست هایشان را روی دسته‌ی شمشیر قرار داده و در نزدیک آنها کتیبه‌هایی به خط پهلوی که بیانگر اصل و نسب آنهاست نقر گردیده است. ایوان بزرگ تری در جوار این ایوان قرار دارد، به نظر می‌رسد که سازنده آن تصمیم داشته که در این محل سه ایوان در کنار یکدیگر بسازد. ایوان قدیمی شاپور سوم در طرف راست و در این صورت ایوان بزرگ در وسط واقع می‌شود، ولی ایوانی که قرار بود در سمت چپ قرینه‌ی ایوان شاپور ایجاد شود هرگز ساخته نشد و اگر این طرح اجرا می‌شد تصویری از ورودی کاخ‌های سه ایوانی ساسانی را مجسم می‌ساخت، هم اکنون نیز ورودی کاخ‌های شکوهمند ساسانی مانند تیسفون و فیروز آباد را در نظر بیننده القاء می‌کند، بنابراین اصطلاح غار که توسط بعضی از مستشرقین در مورد این ایوان‌ها به کار رفته درست و مقبول نمی‌باشد.



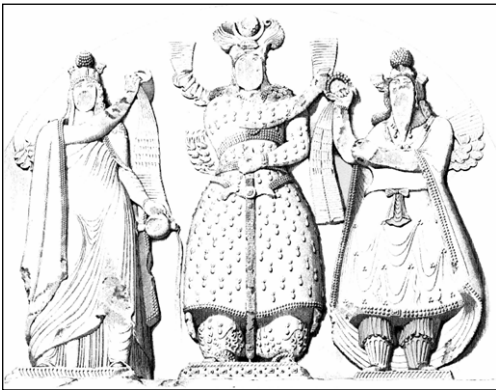
تصویر ۲: تاق بستان. فرشته‌های بالدار که حلقه سلطنت را حمل می‌کنند. مأخذ: نگارنده



تصویر ۱: تاق بستان. اردشیر دوم در میان اهورامزدا و میترا مأخذ: سفرنامه فلاندن و کوست

جبهه ایوان بزرگ تماماً حجاری شده و در طرفین آن نقش درخت زندگی دیده می‌شود که با شکل خاصی از گل و برگ‌های کنگره دار نمایش داده شده است، قبل از این درخت زندگی به اشکال گوناگون در هنر اقوام مختلف دیده شده است. به عنوان مثال در نقوش آشوری و بابلی به صورت درخت خرما یا انگور و گیاه دیگری با گل‌های چند پر و شاخ و برگ‌های ضخیم می‌باشد. این درخت به نام درخت مقدس نیز معرفی شده است. در پیشانی و بالای تاق دو فرشته‌ی بالدار که حلقه سلطنت را در دست گرفته اند به طور قرینه به تصویر کشیده شده اند و در وسط آنها هلال ماه که مظهر آسمانی آن‌هاست دیده می‌شود. (تصویر ۲) فرشته‌های بالدار در هنرهای تصویری ایران سابقه ندارند و الهام یافته از نقوش غربی است. فرشتگان با این لباس و آرایش سر و گیسوی ایرانی ظاهر شده اند. بنابراین نقش الهام یافته از هنر اروپایی با ذوق هنرمند ساسانی و مطابق با سنت هنری رایج این عصر تغییر یافته است. نقوش قرینه‌ای که دو فرشته بالدار را در حال حمل حلقه سلطنت بر پیشانی قوس مذکور نشان می‌دهد با نقش برجسته «تاق پیروزی رم» که به مناسبت غلبه رومیان بر پارت‌ها در قرن دوم میلادی ساخته شده قابل مقایسه بوده و به احتمال زیاد از آن تأثیر پذیرفته است.

این تاق نصرت امروز در ویرانه های رم باستان واقع شده است. فرشتگانی که در طرفین تاق پیروزی رم قرار دارند در حال نواختن شیپور هستند، در حالی که فرشتگان تاق بستان حلقه سلطنت را حمل می کنند. در وسط پیشانی قوس در تاق رم شخصیتی تصویر شده که به جای آن در تاق بستان هلال ماه نماد آناهیتا و آرم مشهور ساسانی قرار گرفته است. (تصویر ۳)



تصویر ۴: تاق بستان خسرو پرویز میان اهورا مزدا و آناهیتا در حال تاجگیری. مأخذ: سفرنامه فلاندن و کوست



تصویر ۳: تاق پیروزی در رم (۲۰۶ میلادی) به مناسبت پیروزی رومیان بر پارت ها. مأخذ: نگارنده

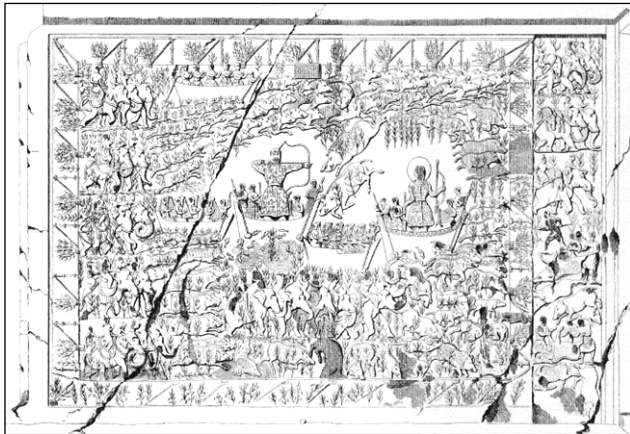
در انتهای تاق در دیوار مقابل دو ردیف نقش برجسته حجاری شده است. نقش برجسته قسمت فوقانی مجلس تاجگیری را نشان می دهد. (تصویر ۴) پادشاه در وسط قرار دارد و با دست راست حلقه سلطنت یا مظهر فر ایزدی را از اهورا مزدا که در طرف چپ قرار گرفته دریافت می دارد، در طرف دیگر او الهه آناهیتا نیز حلقه سلطنت را به او اعطا می کند. در دست دیگر آناهیتا سبویی است که آب آن را به سوی زمین سرازیر نموده با این حرکت سمبلیک الهه آب ها یعنی آناهیتا برکات خود را بر سرزمین ایران و فرمانروا نازل نموده. این سبو نشانگر آب های آسمانی است و باعث باروری و برکت و خرمی شده و به سلطنت شاه قدرت و استحکام می بخشد.

پادشاه تاج بزرگی بر سر نهاده که مزین به مروارید و سایر گوهرهاست و در طرفین آن بال های شاهین مظهر بهرام (الهه پیروزی) را در اهتزاز دارند، و در وسط دو بال هلال ماه مظهر ایزد بانو (آناهیتا) به چشم می خورد. جامه فرمانروا که به طور معمول دارای نوارهای موج است، عبارتست از قبایی بلند و آستین دار و شلواری گشاد و چین خورده. فرمانروا شمشیر بلندی بر کمر بسته و دست چپ را بر قبضه آن قرار داده و با دست راست حلقه سلطنت را از اهورا مزدا دریافت می دارد، سراسر لباس و شلوار با مرواریدهای درشت به شکل زیبایی مزین شده اند به طوری که ریزش قطرات آب و باران را در نظر بیننده تداعی می کند، این عمل آگاهانه و برای هماهنگی و همسانی با ریزش آب توسط الهه آناهیتا طراحی و ساخته و پرداخته شده است.

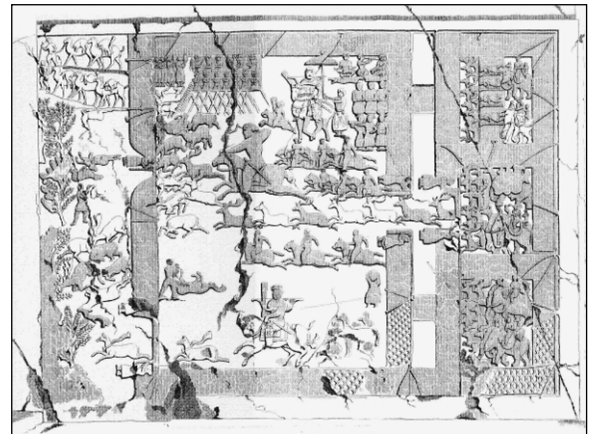
در قسمت پایین نقش مذکور پیکر سواره شاه تراشیده شده، در حالیکه پادشاه تاجی شبیه کلاخود بر سر دارد و جوشنی در بر که تا کلاخود او می رسد و چهره فرمانروا را می پوشاند، از زیر این زره جامه شاه نمایان است او نیزه ای در دست راست گرفته و آن را بر شانه خود تکیه داده و در دست چپ او سپری مدور دیده می

شود، سر و سینه‌ی اسب نیز با برگستوانی منگوله دار پوشیده شده، متأسفانه این تندیس باشکوه در اثر حمله مهاجمان ستمگر گزند بسیار دیده و بخش هایی از آن خرد و نابود گردیده است.

در دو دیواره جانبی ایوان بزرگ تصویر شکارگاه فرمانروای ساسانی دیده می شود که در آنجا شاه با حضور زنان به شکار خرگوش مشغول می باشد. این شکارگاه به احتمال زیاد در همین مکان یا در نزدیکی آن قرار داشته است. در دیوار سمت راست تاق، صحنه های شکار گوزن را نشان داده اند، قسمت میانی این نقش را در خطوطی محصور نموده که شبیه حصار شده است، شکارچیان گوزن ها را تعقیب کرده و آن جانوران هراسان و گریزان از دریچه ای که در جانب راست حصار ترسیم شده است، در سمت بالا پادشاه سواره ایستاده، زنی در بالای سر او چتری را افراشته و در پشت سر او صفی از زنان هستند که برخی از آنها به رامشگری مشغولند. دو تن از آنان شیپور در دست دارند بعضی چنگ می نوازند و برخی کف می زنند؛ در زیر آن تصاویر صورت پادشاه دیده می شود که کمان به زه کرده و در پی جانوران اسب می تازد. در سمت چپ حصار مذکور شترانی دیده می شوند که گوزن های شکار شده را حمل می کنند (تصویر ۵).



تصویر ۶: خسرو پرویز در شکارگاه در حالی که هاله نور در اطراف سرش دیده می شود. مأخذ: سفرنامه فلاندن و کوست



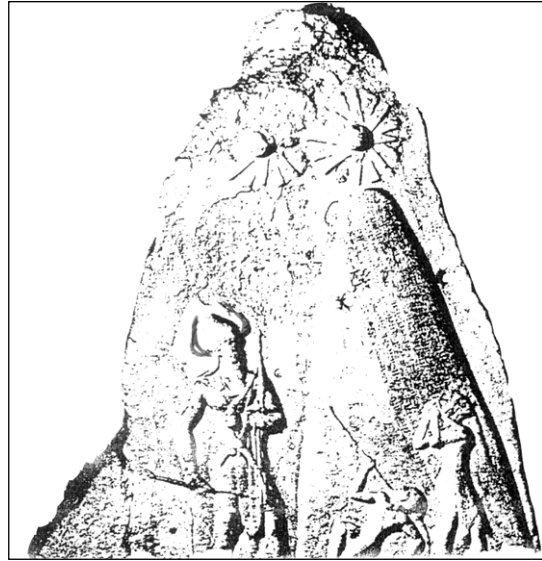
تصویر ۵: تاق بستان. خسرو پرویز در شکارگاه. مأخذ: سفرنامه فلاندن و کوست

نقش دیوار چپ که با دقت بسیار نقر شده شکار گراز را نشان می دهد. شکارگاه مکانی نیزار و باتالاقی است، در جانب راست پنج فیل دیده می شوند که بر هر یک دو فیلبان، یکی در جلو و دیگری در عقب فیل سوارند، آنها گله گرازها را توسط فیل ها تعقیب نموده و به میان نیزارها فراری می دهند تا در تیر رس شاه قرار گیرند. در قسمت بالا قایقی دیده می شود که بانوان در آن نشسته و به کف زدن و طرب مشغولند، در وسط نقش یک جفت کرچی را می بینیم. تصویر پادشاه با قدی بسیار بلند نسبت به دیگران حجاری شده که در قایق نخستین ایستاده و کمان را به زه کرده، در سمت چپ او زنی ایستاده و تیری به او تقدیم می کند. قایق دیگری در پشت سر قایق فرمانروا در حرکت است که سرنشینان آن به نواختن چنگ مشغولند. شاه دو گراز بزرگ را با تیر از پای درآورده است. باز همان قایق در سمت راست تصویر شده، در اینجا پادشاه که هاله ای بر گرد سر دارد در دست خود کمانش را به نرمی نگه داشته و این نشانه پایان شکار است.<sup>۸</sup> در قسمت زیرین این نقش گرازهای شکار شده توسط فیل ها حمل می شوند. این دو تصویر شکار مخصوصاً

نقش دوم به قدری پرکار است که تقریباً هیچ جای خالی در آن دیده نمی شود. اما نقش مورد بحث و بررسی در این نامه، نقوش انتهایی ایوان یعنی نقش تاجگیری فرمانروای ساسانی است. آن تصاویر و نقوش از دیرباز مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته و بیشتر محققان و دانشمندان آن را متعلق به خسرو دوم (۵۹۰-۶۲۸ م) فرمانروای ساسانی دانسته اند، تحقیقات عالمانه ارنست هرتسلفد در شناخت و انتساب این نقش به خسرو دوم بیش از دیگران قابل توجه و اهمیت می باشد. اما علل و انگیزه ایجاد این نقش توسط خسرو تا کنون مورد تحقیق قرار نگرفته که در جای خود به بررسی آن خواهیم پرداخت.



تصویر ۸: شاخ قوچ در موی اسکندر دیده می شود. سکه دوره اسکندر مقدونی. مأخذ: تاریخ هنر جانسون

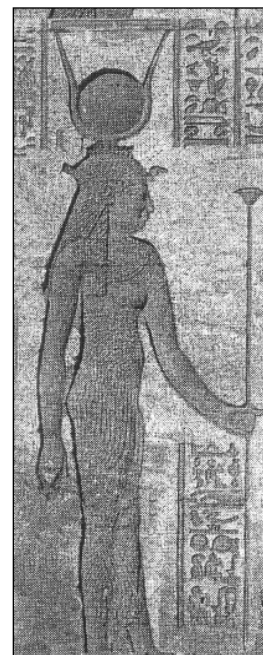


تصویر ۷: لوح پیروزی نارام سین. کلد. «شاه با دوشاخ». مأخذ: تاریخ هنر گامبریج



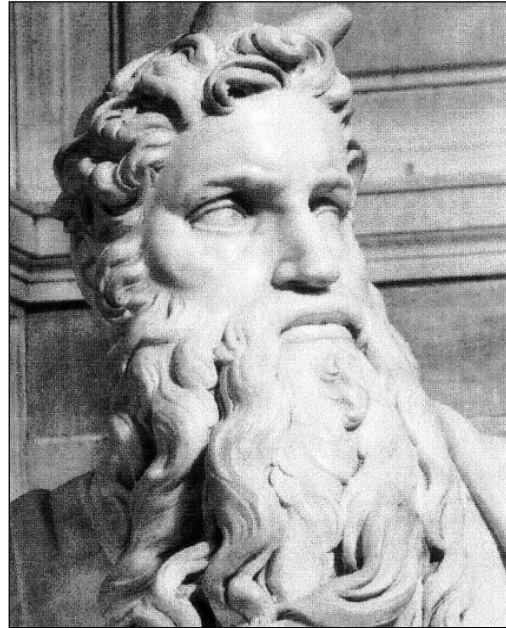
تصویر ۹: دختر خدای خورشید «رع» با دو شاخ و قرص خورشید مصر باستان. مأخذ: Rose-marie

تصویر ۱۰: نقش کوروش بالدار با دو شاخ (ذوالقرنین) پاسارگاد. مأخذ: آرشیو نگارنده





تصویر ۱۲: سکه خسرو پرویز. بال شاهین و هلال ماه در یک سطح قرار دارند. مأخذ: امینی، ۱۳۸۵



تصویر ۱۱: مجسمه موسی اثر میکل آنژ. مأخذ: Rose-marie

از مستشرقین (ک. اردمن) باستان شناس آلمانی معتقد است: این تاق به دستور پیروز (۴۵۷-۴۸۴ م) پادشاه ساسانی ساخته شده، او با مطالعه یکی از انواع سکه های پیروز که در آن تاج پیروز با بال های عقاب مزین شده و شباهت آن با تاج فرمانروای ساسانی در این نقش برجسته نتیجه گرفت که این تصویر متعلق به پیروز است و مسئله دیگری که این فکر را در او تقویت نمود تصویر آناهیتا در حال ریختن آب در این سنگ نگاره می باشد، او تصور نمود که این نقش با خشکسالی و بی آبی که در زمان پیروز به ایران زمین مسلط شده در ارتباط است. این نظریه استوار و بر جای نیست و از آنجا که نظریه اردمن در داخل و خارج کشور هنوز دارای طرفدارانی می باشد، با بررسی ژرف این نقش برجسته و با اتکاء به مدارک و آثار باستانی دوران ساسانی بی پایه بودن این نظریه را اثبات نموده و در معرض دید و قضاوت دانش پژوهان قرار می دهیم. به دلایل زیر این نقش برجسته متعلق به خسرو پرویز بوده و انتساب آن به پیروز قابل قبول نمی باشد:

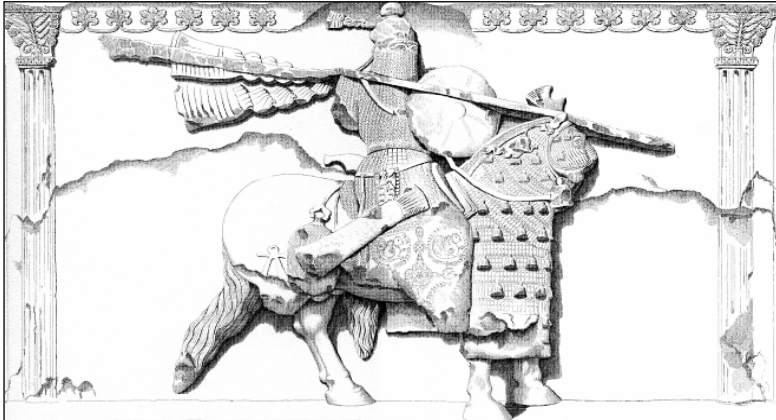
۱. تاج و افسر فرمانروای ساسانی در نقش فوقانی ایوان بزرگ مزین به گوهرهای درشت گرانبهاست که بر فراز آن هلال ماه در طرفین بال های شاهین مظهر الهه بهرام دیده می شوند و نقش به شکلی ساخته و پرداخته شده که هلال ماه و بال های شاهین تقریباً در یک سطح قرار دارند. بال شاهین زینت بخش کلاه اغلب شاهان ساسانی از جمله پیروز و خسرو دوم می باشد، اما با توجه به نقش سکه ها و مهرها و جام های ساسانی فقط در تاج خسرو دوم بال شاهین و هلال ماه در یک سطح قرار دارند (تصویر ۱۲).

این همسانی تاج خسرو با نقش برجسته تاق بستان بیانگر این واقعیت است که این نقش به خسرو دوم تعلق دارد. برعکس در تاج پیروز هلال ماه و بال های شاهین در یک سطح نبوده و هلال ماه کاملاً بر فراز بال های شاهین قرار گرفته که این ترکیب مغایر با نقش برجسته مذکور می باشد.

۲. برخلاف تصور اردمن، پیروز دارای یک تاج واحد نبوده و از جمله معدود شاهان ساسانی است که در دوران فرمانروایی خود به علل رویدادهای مختلف سه بار افسر شهریاری خود را تغییر داده است. در سال اول



فرمانروایی تاج او به شکل تاج یزدگرد اول و از سال دوم تا بیست و دوم (۴۵۸-۴۸۰ م) افسر شهریاری پیروز شبیه یزدگرد دوم می باشد که در این مدت طولانی که بیش از بیست سال از دوره‌ی سلطنت او را در برمی گیرد. اصولاً تاج او فاقد بال های شاهین است (تصویر ۱۳) و سومین تاج پیروز که اردمن آن را به عنوان مدرکی برای اثبات نظریه خود ارائه نموده است، فقط در چهار سال آخر فرمانروایی پیروز (۴۸۰-۴۸۴ م) مورد استفاده قرار گرفته و سکه های متعدد پیروز در موزه های جهان این مسئله را به خوبی نشان می دهد.



تصویر ۱۴: تاق بستان. تصویر خسرو پرویز سوار بر شبیدیز. مأخذ: سفرنامه فلاندن و کوست

تصویر ۱۳: سکه پیروز شهریار ساسانی. مأخذ: امینی، ۱۳۸۵

از آنجا که مراسم تاجگیری و تاجگذاری شاهان ساسانی بر طبق عرف در سال های اولیه سلطنت آنها انجام و گاهی برای آگاهی همگان بر پیشانی و دل کوه ها به تصویر کشیده می شد، انتساب نقش تاق بستان به پیروز درست و منطقی نیست، زیرا با دلایل فوق هیچ یک از شاهان ساسانی نقش تاجگیری خود را در آخرین سال های سلطنت ایجاد ننموده اند، حتی چنین عملی که بر خلاف رسوم معهود بود اگر توسط پیروز انجام شده باشد باز هم منطقی نیست که با تاج و کلاهی که در اواخر سلطنت و مدتی کوتاه از آن استفاده نموده این نقش را ایجاد کند. از آن گذشته پیروز در سال ۴۷۹ میلادی در جنگی از قوم هیتال شکست خورده و به اسارت آنها در آمد و پس از آزادی در چهار سال آخر عمر در تمام مدت مشغول تجهیز سپاه بود تا شکستی را که خورده بود جبران کند، اما در جنگ بعدی در سال ۴۸۴ مجدداً از هیتالیان شکست خورده و کشته شد، بنابراین او در سال های آخر فرمانروایی فرصتی برای ایجاد نقشی که تاجگیری او را مجسم نماید نداشت، مخصوصاً که ساختن ایوان بلند تاق بستان و نقوش آن مستلزم سال ها تلاش و کار و کوشش بود.

۳. نویسندگان قرون اولیه اسلامی در آثار خود به معرفی تصویر این نقش ها مخصوصاً مجسمه‌ی عظیم اسب سوای که در قسمت انتها و پایین تاق قرار دارد پرداخته و همگی آن را متعلق به خسرو پرویز و اسب محبوب او شبیدیز دانسته اند<sup>۱</sup> (تصویر ۱۴) و در اینجا نیز سخنی از «پیروز» به میان نیامده است. قدیمی ترین نوشته درباره این موضوع متعلق به ابن فقیه همدانی (۲۹۰ ه.ق) است که در حدود سیصد سال بعد از خسرو پرویز می زیسته و در کتاب جغرافیای خود شرح مفصلی در مورد این مکان و شبیدیز نگاشته است.

او می گوید: «تاق بستان را در جهان همانندی نیست، در آن نقش هایی است، خسرو پرویز است و گرداگردش مرزبانان...»

و در جای دیگر در کتاب خود از قول ابومحمد عبدی همدانی چنین می گوید:  
 «... هر بیننده پند پذیر که چشمش به نقش شب‌دیز افتد، و در دنیا و آثار آن، در باب پادشاهان جهان، به اندیشه فرو رود یقین دارد که روزگار پیوسته هر چیز محکم و استواری را نیز به سرنوشت چیزهای سست و بی ثبات رساند. آیا روزگار پس از خسرو به جای سلطنت تنها نقشی مرموز از او به جای گذارد؟...»  
 یاقوت حموی از قول ابودلف مسعر ابن المهمل (۳۲۹ هـ. ق) نوشته است که:

«... صورت شب‌دیز در یک فرسخی شهر قرمیسین (کرمانشاه) قرار دارد و آن مردی است سوار بر اسب که از سنگ تراشیده شده و کلاهدودی بر سر و زرهی بر تن دارد... این مجسمه صورت خسرو پرویز است که سوار بر اسب خود شب‌دیز می باشد...»

ابن رسته (۲۸۷-۳۳۹ هـ. ق) در کتاب العالیق النفسیه گفتاری مشابه گفتار دیگران دارد به روایت او:  
 «... از قصر عمر تا قرمیشین هشت فرسخ است... و شب‌دیز در سه فرسخی آن است و آن تاقی است که در کوه کنده شده و در آن صورت های پرندگان و غیره وجود دارد. از جمله آن صورت ها که در سینه تاق قرار دارد عکس مردی است که زره پوشیده و در مقابل آن زنی است که گفته اند آن عکس شیرین<sup>۱</sup> است.»

ابوالقاسم بن احمد جیهانی (قرن چهارم هـ ق) در کتاب اشکال العالم می گوید:  
 «... کوه بیستون کوهی است محکم چنانکه بر بالای آن نتوان رفت و بر پشت این کوه غاریست در او چشمه ای روان و صورت چهارپایی، شخصی بر او نشسته در غایت نیکویی، می گویند صورت کسری و شب‌دیز است...»

همان طور که اشاره شد اغلب محققان این نقوش را از دیرباز مطالعه و شناسایی نموده و آن را متعلق به خسرو دوم (پرویز) دانسته اند، اما هیچ یک تاکنون علل و انگیزه ایجاد آن را بررسی و بیان نکرده اند. برای روشن شدن این موضوع نگاهی به برخی از رویدادهای زمان هرمز چهارم و خسرو دوم لازم و ضروری به نظر می رسد.

در سال های آخر فرمانروایی هرمز چهارم (۵۷۸-۵۹۰ میلادی) پادشاه ساسانی و پدر خسرو پرویز، خاقان ترک موسوم به (شابه) با سپاه عظیمی قلمرو شرقی ایران را مورد تعرض قرار داد و به هرات و بادغیس نزدیک شد. این واقعه در پاییز سال ۵۸۹ میلادی اتفاق افتاد. اما با شجاعت و کاردانی بهرام چوبینه سردار مشهور که از خاندان مهران بود. سپاه ترک شکست خود و خاقان به دست بهرام به قتل رسید و این موقعیت بزرگ را بهرام با سپاهی اندک به دست آورد.

هرمز که از محبوبیت بهرام در بین سپاهیان دچار وحشت شده بود او را مورد توهین و تحقیر قرار داد و او را متهم به حیف و میل غنائیم جنگی نمود. بهرام که با این اتهامات موقعیت و جان خود را در خطر میدید به ناچار بر ضد هرمز قیام کرد. او مرزبان ری و آذربایجان و در دلاوری و جوانمردی شهره خاص و عام بود، در وجود او تهور نظامی با استعداد فرماندهی و مهارت یک شخصیت سیاسی در هم آمیخته بود اما به واسطه سوء تدبیر و ناسپاسی هرمز چهارم پرچم طغیان برافراشت و برای ایجاد تفرقه و نفاق در خاندان ساسانی، فرمان داد سکه هایی با تصویر خسرو پرویز ضرب نموده و در تیسفون در دسترس مردم و

بازرگانان قرار دهند تا هرمز گمان کند پسرش از اختلاف او و بهرام سود جسته و خیال جانشینی او را در سر دارد. حیلۀ بهرام سودمند افتاد. هرمز که فرمانروایی تندخو و به اطرافیان بدبین بود پنداشت که پسرش خسرو با (بندوی) و (وستم) که آنها دایی او بودند در این توطئه دست داشته اند و بیدرنگ فرمان دستگیری آنها را صادر کرد. خسرو به سوی آذربایجان گریخت و بندوی و وستهم دستگیر و زندانی شدند. اما پس از مدت کوتاهی به وسیله‌ی طرفداران خود از زندان آزاد شده و طی توطئه‌ای هرمز را کور و از سلطنت خلع نمودند. در این میان بهرام چوبین با سپاه خود تیسفون پایتخت ساسانیان را فتح نمود، و بندوی و وستهم از این مسئله بیمناک بودند که بهرام چوبین، هرمز را یاری نموده و بر تخت نشاند آنها نگرانی خود را با خسرو پرویز در میان نهادند و تصمیم به قتل هرمز گرفتند اما خسرو به آنها پاسخی نداد و آن دو به قصر رفته و هرمز را به قتل رساندند. بعضی از مورخین معتقدند که هرمز با موافقت ضمنی فرزندش خسرو به قتل رسید. بهرام چوبین که نسبت به شاهان اشکانی می رسید پس از فتح تیسفون خود را شاه نامید و بر تخت سلطنت نشست و خسرو پرویز با اطرافیان خود به کشور روم گریختند. خسرو پرویز پس از ورود به کشور روم توانست کمک و مساعدت امپراتور روم (موریکوس) را جلب نماید و با سپاه عظیمی که امپراتور در اختیار او قرار داد به ایران بازگشت و بهرام را شکست داده و منهزم نمود و بر تخت نشست و دختر امپراتور روم را به زنی گرفت.

اقدامات بعدی خسرو بر اساس سپاسگذاری از امپراتور و حسن همجواری با روم مایه‌ی نگرانی مردم و روحانیون زرتشتی شد. استقرار بخشی از سپاهیان روم در کشور، حمایت خسرو از عیسویان ایران و پوشیدن جامۀ عیسوی به علامت صلیب که امپراتور به عنوان هدیه برای او فرستاده بود، این تصور را در عامه مردم ایجاد نمود که خسرو از دین نیاکان خود دست کشیده است. مجموعه این مسائل با داشتن فر ایزدی<sup>۱۱</sup> که خاندان ساسانی را مستحق سلطنت می نمود مغایرت داشت. خسرو از طرفی مشکوک به قتل پدر و از سوی دیگر متهم به بی دینی شده بود.

شکست از بهرام و به قدرت رسیدن او توسط رومیان همه مسائلی بود که می توانست به عنوان جدا شدن فر ایزدی از او و عدم استحقاق او برای ادامه سلطنت از طرف روحانیون بزرگ و مردم مطرح شود و او که خود را در معرض خطر احساس می کرد، برای رفع مشکلات با درایت و هوشیاری دست به اقدامات متقابل زد. بندوی و وستهم را که بر او شوریده بودند به اتهام کشتن پدر به قتل رسانید. توجه و احترام به آئین زرتشت و اماکن مقدس مخصوصاً آتشکده آذر گشسب و پدید آوردن صحنه تاج بخشی و دریافت آن از ایزدان از جمله ترفندهایی بود که برای رفع هر نوع سوء ظن و اتهامی کافی و بسنده به نظر می رسید.

بر اساس این اندیشه او سنت تاجگیری و دریافت حلقه شهریاری از ایزدان را که بیش از دو قرن در بوته فراموشی قرار گرفته و در بین پادشاهان ساسانی متروک شده بود دوباره زنده نموده و به شکلی نو در تاق بستان به تصویر کشید. در اینجا خسرو پرویز حلقه سلطنت را در یک زمان از اهورا مزدا و آناهیتا دریافت می دارد که بر طبق مدارک موجود یعنی نقش برجسته‌ها این امر تا آن زمان بی سابقه به نظر می رسد. زیرا فرمانروایان ساسانی مانند اردشیر اول-شاپور اول و بهرام اول حلقه شهریاری را از اهورا مزدا، «ترسی» آنرا از الهه «آناهیتا» دریافت می کند و در مورد نقش تاجگیری اردشیر دوم نیز که در همین مکان به تصویر کشیده شده، اهورا مزدا حلقه شاهی را به اردشیر اهداء نموده و الهه «مهر» فقط بر این پیمان

ناظر و گواه است در دست الهه مهر حلقه ای دیده نمی شود. بنابراین گرفتن حلقه سلطنت از دو ایزد بزرگ را باید فقط مخصوص نقش خسرو دوم در تاق بستان بدانیم. او با درایت کامل تصویر آناهیتا را در مراسم تاج بخشی قرار داد تا از امنیت و اعتبار این ایزد بانو برای تحکیم قدرت معنوی خود سود جوید. آناهیتا الهه بلند پایه و ارجمندی که ساسانیان قبل از رسیدن به فرمانروایی و حکومت متولی و پرستار معبد او در شهر استخر بودند و به نوشته مورخین مراسم تاجگذاری اولین و آخرین پادشاه ساسانی در آنجا انجام گرفت. اندیشه پدید آوردن صحنه تاج بخشی و دریافت حلقه شهریاری از ایزدان یکی از ویژگی های مهم در روزگار فرمانروایان ساسانی به شمار می رفت، آنها برای استوار نمودن پایه های فرمانروایی خود از اعتقادات قدیمی آن روزگار در مواقع ضروری سود می جستند، و این عمل به صورت یک خط مشی عمده و اساسی ساسانیان در طول بیش از چهار قرن حکومت آنها به چشم می خورد. بسیاری از نقش برجسته ها بیانگر این واقعیت تاریخی به شمار می روند که نقش تاق بستان را آخرین نمونه ای آن باید به حساب آورد. بدین گونه خسرو پرویز در تاق بستان به مردم ایران زمین آگاهی داده است که ایزدان را سپاس می گذارد و فر ایزدی و نشان شهریاری از جانب آنها به او اعطا گردیده و سزوار هرگونه سروری و فرمانروایی است.

### نتیجه گیری

نقش برجسته های ساسانی نمایشگر رویدادهای مهم دوران ساسانی است. این نقوش تا حد زیادی اوضاع سیاسی- اجتماعی و دین ساسانیان را معرفی می کند. مجموعاً ۳۳ نقش برجسته از این دوره وجود دارد که موضوعات اصلی آنها شامل: مراسم تاجگذاری شاهان ساسانی توسط اهورا مزدا یا موبد زرتشتی می باشد که بیانگر باورهای دینی شاهان ساسانی است. ساسانیان همچون هخامنشیان مذهب مزدیسنا داشتند و بعدها آیین زرتشت را دین رسمی اعلام کردند. طبق اعتقاد مزدیسنا مراسم تاجگذاری شاهان توسط اهورا مزدا انجام می شد. اما در آیین زرتشت می بایست شاهان تاج یا حلقه سلطنت را از موبد زرتشتی دریافت کنند و این صحنه ها در نقش برجسته های ساسانی در تاق بستان، نقش رستم، نقش رجب و... دیده می شود. در سنگ نگاره تاق بستان شاهد صحنه ای استثنایی هستیم.

نقش خسرو دوم (پرویز) شاه ساسانی را در میان آناهیتا و اهورا مزدا می بینیم که به طور همزمان از هر دوی آنها حلقه سلطنت را دریافت می کند که در اینجا خسرو پرویز سعی کرده احترام خود را نسبت به دو مذهب زرتشت و مزدیسنا نشان دهد و به این ترتیب خود را از معرض اتهاماتی همچون بی دینی و مسیحی بودن برهاند.

### پی نوشت

۱. پردیس (paradis) و بهشت.
۲. ورثرغن: نماد بهرام (ایزد پیروزی و آتش) که به صورت بال عقاب نشان داده می شود.
۳. میترا (مهر) از یاران اهورا مزدا و نشانه خدای خورشید یا ایزد نور و فروغ خورشید.
۴. آناهیتا از یاران اهورا مزدا و ایزد بانوی آب ها.
۵. تشتری: ستاره ای که نماد یکی از ایزدان است.
۶. به عقیده نگارنده گل مذکور آفتابگردان می باشد که گل منسوب به خدای خورشید (مهر) است. گل مذکور به شکل واقعگرایانه آفتابگردان را به تصویر کشیده و کمتر شبیه لوتوس می باشد.

۷. «برَسَم» گیاهی است مقدس که در مراسم آیینی استفاده می شده به عقیده برخی از پژوهشگران احتمالاً شاخه و برگ انار باشد. در نقوش مادی و قبل از آن این گیاه ظاهر شده است. نمونه ها: نقش برجسته دکان داوود، نقش زروان بر لوح برنزی لرستان.

۸. وجود هاله نور بر گرد سرشاه به احتمال زیاد از سنت نقش های مذهبی مسیحی الهام گرفته زیرا چنین نشاننداری در نقوش ایرانی سابقه نداشته است (تصویر ۶). گرچه مهر (میترا) خدای خورشید را با شعاع های نور بر گرد سرش در نقش برجسته تاق بستان داریم (تصویر ۱). اما هرگز مهر، آناهیتا، اهورا مزدا یا موبد زرتشتی به عنوان شخصیت های مقدس در تصاویر با هاله نور ظاهر نشده اند. در مورد شاهان نیز هرگز چنین رسمی نبوده است. بلکه شاهان ساسانی با انواع تاج ها و نشانه های خاص که بر تاج آنان بوده ظاهر می شدند. یکی از علائمی که در سنت تصویرگری جهان غرب و شرق باستانی بخصوص مصر، ایران و بین النهرین مرسوم بوده وجود شاخ به نشانه قدرت و تقدس بر سر شاهان و خدایان است که هر گاه شاخ بر سر فرمانروا باشد، کنایه از آنست که فرمانروا قدرت مقدس خویش را از خدا یا مقام الهی دریافت کرده است. از این نمونه ها می توان به پیکر موسی اثر میکال آنژه، نقش برجسته ذوالقرنین (کوروش هخامنشی) در پاسارگاد و خدایان و شاهان بین النهرین و فراعنه مصر اشاره کرد (تصاویر ۷ تا ۱۱).

۹. شب دیز، نام اسب مورد علاقه خسرو پرویز که رنگش سیاه بود و گویند آن را از روم آورده بود. شبیدیز = شب + دیز (دیز-دیس = مثل و مانند) بنابراین شبیدیز یعنی بمانند شب که اشاره ای به رنگ سیاه آن نیز بوده است.

۱۰. شیرین سوگلی و همسر محبوب خسرو پرویز.

۱۱. در زمان ساسانیان فرمانروا از دیدگاه مردم دارای موقعیت و حالت ویژه ای بود که به فارسی «فر» و به زبان فارسی میانه «فره» و به اوستای «خورنه» گفته می شد. این لفظ اصلاً به معنی، نیروی زندگی و شکوه و همچنین دارای مفهوم پیروزی و بخت و از همه مهم تر بارقه ای الهی و ایزدی که در انسان ها فقط در وجود شاه متجلی شده و او را از سایر انسان ها ممتاز و متمایز نموده و او را مستحق فرمانروایی می کرد.

## منابع

- آوزمانی، فریدون *بررسی سکه های ساسانی* فروهر، سال ۲۴، ش ۹-۱۰.
- ابن رسته *الاعلاق النفسیه* انتشارات امیر کبیر.
- بررسی های تاریخی، ش ۴، سال یکم *تاق بستان*، انتشارات حاکمی، ارتش.
- جبهانی، ابوالقاسم بن احمد *اشکال العالم* انتشارات آستان قدس رضوی.
- جکسن، ویلیامز *سفرنامه جکسن* انتشارات خوارزمی.
- دینوری، ابو حنفه *اخبار الطوال* انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۵۸) *ایران در زمان ساسانیان* ت: رشید یاسمی، انتشارات ابن سینا، تهران.
- کولیسینکف، ای *ایران در آستانه یورش تازیان* انتشارات آگاه.
- گریشمن، آرتور *ایران از آغاز تا اسلام* انتشارات ترجمه و نشر کتاب.
- گریشمن، آرتور *هنر ایران* ج ۲، انتشارات ترجمه و نشر کتاب.
- مشکور، جواد *تاریخ سیاسی ساسانیان* ج ۲، انتشارات دنیای کتاب.
- همدانی، محمد بن اسحاق (ابن فقیه) *البلدان* انتشارات بنیاد فرهنگ ایرانی.
- واندنبرگ، لوئی (۱۳۵۸) *باستان شناسی ایران باستان* ت: عیسی بهنام، انتشارات دانشگاه تهران.
- امینی، امین (۱۳۸۵) *سکه های ساسانی* چاپ اول، انتشارات ققنوس.
- Paruk, D.J. *Sasanian Coins*.
- Rose-marie & Rainer Hangen *LEGYPTE* Taschen